

## تجزیه و تحلیل گزارش محرمانه و مفصل بریتانیا راجع به ایران طی انقلاب مشروطه

دکتر غلامرضا وطن دوست

مترجم: شهرزاد فقیهی

این تحقیق به بررسی وضعیت ایران در سال ۱۹۰۶ بنا بر آنچه، در گزارش مفصل و محرمانه‌ای که آن را سر سیسیل اسپرینگ رایس به وزیر خارجه انگلیس، سر ادوارد گری ارائه داده، می‌پردازد. سند مذکور، گزارشی است منتشر نشده به تاریخ فوریه ۱۹۰۷ و وزارت خارجه در ۱۸ مارس ۱۹۰۷؛ آن را دریافت نمود. این سند، ۳۲ موضوع مختلف از موضوعات مورد توجه دولت بریتانیا در خصوص جنبه‌های گوناگون حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران را مطرح می‌سازد.

گزارش که بالغ بر ۴۰ صفحه است به ۳۲ بخش تقسیم می‌شود و به تفصیل موضوعات متعددی را که مورد توجه بریتانیاست، در برمی‌گیرد. در این گزارش مهم‌ترین موضوع مورد توجه بریتانیا، وضعیت مالی ناگوار و وام‌های ایران است که در چهار صفحه کامل گزارش می‌شود. در سال ۱۹۰۶، که انقلاب مشروطه به پیروزی رسید، خزانه ایران عملاً تهی بود و دولت ایران قادر نبود بدهی خود را به بانک شاهنشاهی ایران بپردازد. طرح‌های متعددی برای متعهد ساختن دولت ایران و نیز تأمین و تضمین مجموعه بدهی آن ارائه گردید.

### اوضاع مالی و دارایی ایران

از دید بریتانیا، در زمان تهیه این گزارش مفصل، آنچه دولت ایران را به زحمت انداخته بود، وضعیت مالی ورشکسته آن بود که از آغاز قرن به تدریج شروع شده بود. با آغاز سال ۱۹۰۰ میلادی، روس و انگلیس هر دو وام‌هایی با مقادیر معتدله به ایران داده

بودند- هر یک جداگانه، روسیه، سه دفعه و انگلیس چهار دفعه.  
صورت وضعیت وامها در ذیل آمده است:

### وامهای روسیه و بریتانیا به ایران

(ارائه شده در گزارش کلی مربوط به ایران در سال ۱۹۰۶)

- تصوّر می شود موارد ذیل، صورت وضعیت صحیح بدهیهای کنونی دولت ایران است، اگرچه مبالغ قابل پرداخت به بانک روس قریب به یقین نیست.
۱. وام روسیه، سال ۱۹۰۰، ۲۲/۵۰۰/۰۰۰ روبل به نرخ بهره ۵ درصد، ۲/۳۷۰/۰۰۰ پوند
  ۲. وام بانک شاهی ایران سال ۱۹۰۱، ۱۰۰۰/۰۰۰ تومان از زمان افزایش به مبلغ ۱/۲۵۵/۰۰۰ تومان به نرخ بهره ۱۲ درصد، ۲۵۱/۰۰۰ پوند
  ۳. وام روسیه سال ۱۹۰۲، ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ روبل به نرخ ۵ درصد، ۱/۰۶۳/۰۰۰ پوند
  ۴. وام بانک شاهی ایران سالهای ۱۹۰۳-۱۹۰۴، ۳۰۰/۰۰۰ پوند که از آن مبلغ ۲۷/۹۷۹ پوند مستهلک شده است، به نرخ بهره ۵ درصد، ۲۷۲/۰۲۱ پوند
  ۵. اعتبارات در حساب جاری توسط بانک شاهی ایران، به نرخ ۱۲ درصد، (حدود) ۱۶۱/۰۰۰ پوند (این به استثنای بدهیهای شاه در زمان ولایتعهدی است که بالغ بر ۲۵/۰۰۰ پوند دیگر می شود)
  ۶. اعتبارات در حساب جاری توسط بانک روس، که تصور می شود به نرخ بهره ۱۲ درصد باشد. (حدود) ۶۰۰/۰۰۰ تصور می شود که این بدهیهای شاه در زمان ولایتعهدی، بالغ بر حداقل ۱۵۰/۰۰۰ پوند دیگر شود.
- توجه: مورد شماره ۵ به مثابه دو وام جداگانه از سوی بریتانیا لحاظ می شود.

وامهای روسیه در سال ۱۹۰۰، ۱۹۰۲ و احتمالاً ۱۹۰۴ میلادی و به مبلغ ۲۳۷۰۰۰۰، ۱۰۶۳۰۰۰ و ۶۰۰۰۰۰ پوند استرلینگ ارسال شدند که بدون ذکر بهره‌ای که به آن تعلق می‌گرفت، و یا وامهای شخصی که برای ولیعهد ارسال گردید، کل آن بالغ بر ۴۰۳۳۰۰۰ پوند انگلیس می‌شد. وامهایی که توسط بانک شاهنشاهی ایران در سال ۱۹۰۱ ارسال شد، به مبلغ ۲۵۱۰۰۰ پوند، در سال ۱۹۰۳، ۴۳۰۰۰۰ پوند و احتمالاً در سال ۱۹۰۴، ۱۶۱۰۰۰ و آخرین وام تحت رسیدگی در سال ۱۹۰۵ بالغ بر ۲۹۰۰۰۰ پوند انگلیس بود. کل وامهای دریافتی از بریتانیا به ۱۰۰۲۰۰۰ پوند استرلینگ می‌رسید و این حدود ۱/۴ مبلغی بود که توسط روسیه اعطا شده بود. از قرار معلوم، تمام وامهای اعطایی بریتانیا به عنوان یک واکنش متقابل نسبت به پیشرفتهای روسیه در ایران اعطا شدند. این امر آشکارا ثابت می‌نماید که وامهای اعطایی از سوی بریتانیا آنچنان هم در جهت کاهش و یا بهبود بحران جاری اقتصادی ایران نبود، بلکه بیشتر برای خنثی و بی‌اثر کردن نفوذ روسها و نیز نفوذ فزاینده آلمان در ایران بود. ظاهراً مقامات ایرانی نیز در بازی دادن یک قدرت در مقابل دیگر به منظور حصول حداکثر منفعت از جانب آنان بسیار باهوش و زیرک بودند. برای مثال در گزارش چنین آمده است که:

در هفتم فوریه [۱۹۰۶] پسر صدراعظم به آقای گرانت داف اطمینان داد که روسها آماده بودند وام کلانی [به ایران] بدهند ولی براساس شرایطی که ایران را به حد و اندازه یک کشور تابع و سرسپرده تنزل می‌داد و ایران حاضر نبود چنین چیزی را بپذیرد. در این شرایط، دولت ایران تمایل خویش را برای قبول وامی به مبلغ ۱۵۰۰۰۰ پوند بتایر شرایط پیشنهاد شده توسط دولت بریتانیا در ژوئیه ۱۹۰۵ اعلام نمود. این شرایط عبارت بودند از (۱) دولت ایران تعبیر به کار رفته از سوی دولت بریتانیا را در عبارت «گمرکات فارس و خلیج فارس» به رسمیت بشناسد. و (۲) اینکه تمام ساخت و ساز خط آهن در جنوب ایران، منجمله سیستان تا زمانی که به کمکهای خارجی نیاز است، تحت توجهات دولت بریتانیا انجام بگیرد.<sup>۱</sup>

### جنبش اصلاحات

از ۳۲ موضوع مورد نظر، فقط یکی با عنوان «جنبش اصلاحات در ایران سال ۱۹۰۶» است و به تفصیل وقایع مهم و عمده را در اعطای فرمان مشروطیت شرح می‌دهد. از

۱. به گونه طعنه‌آمیز، دولت ایران اطلاع یافت که این پیشنهاد، بیش از این از سوی بریتانیا مورد قبول واقع نمی‌گردد و «دولت پادشاهی بریتانیا مایل به تجدید و تمدید آن نبوده».

حال و هوای مقاله چنین برمی آید که نمایندگان بریتانیا به وقایع و رخداد‌های سیاسی جنبش اصلاحات توجه جدی نشان نمی دادند چون چنین گزارش می دهند که:

آشوبها و ناآرامی‌هایی که در دسامبر ۱۹۰۵ در تهران رخ داد منجر به اعطای امتیازات ویژه‌ای توسط شاه و متعاقب آن بازگشت مجتهدین از شاه عبدالعظیم گردید. دولت عملاً هیچ اقدامی برای انجام تعهدات خود نسبت به مردم نکرد غیر از معرفی کمیسیونی در ماه مارس برای تنظیم و تهیه ضوابط قانونی و ترتیب جلسه‌ای مشتمل بر وزیران و درباریان در ماه آوریل که در آن احتشام‌السلطنه وزیر مختار ایران در برلین و نماینده کمیسیون مرزی ایران - ترکیه با جدیت بر لزوم فوری اصلاحات منجمله شکلی از دولت مشروطه و قانونی تأکید ورزید.<sup>۱</sup>

در حالی که جنبش اصلاحات به تفصیل به شرح وقایع مهم در افزایش تقاضاها و تحرکات مردم می پردازد، سفارت بریتانیا این وقایع و رخدادها را خیلی جدی نمی انگارد. و تلقی آن از کل ماجرا بیشتر یک واکنش عادی و متعارف به بی قانونی، هرج و مرج و ورشکستگی مالی است که به نظر می رسد دولت ایران را بیش از هر عامل مهم تر دیگری که بازتابهای جدی داشت، گرفتار کرد.

این گزارش اذعان دارد که تعداد ایرانیانی که در نوزدهم ژوئیه در سفارت انگلیس «بست» نشستند، چیزی حدود ۳۰ تا ۴۰ تن از «نمایندگان طبقه تجار و روحانیان» بود. از آنجا که دولت ایران اقدامی در جهت بازداشتن ایشان از مبادرت به انجام چنین کاری نکرد، از تاریخ بیست و یکم تا بیست و نهم ژوئیه، تعداد آنها از ۷۰۰ به ۱۲۰۰۰ تن افزایش یافت. در حالی که در دوم اوت سران و رؤسای اصناف اظهار داشتند که حدود ۱۴۰۰۰ تن در سفارت حضور دارند.

این گزارش در ادامه می افزاید که بیشتر افراد بست نشسته در محوطه سفارت «تجار خرده‌پا و تعداد زیادی از طلاب و محصلان حوزه‌های دینی بودند»، و رفتار و برخورد ایشان کاملاً نمونه و شاخص بود. سر سبیل اسپرینگ رایس گزارش می دهد که چون هیچ شخص حائز اهمیتی در جمع ایشان وجود نداشت تا جان کلام و فحوای درخواستهای ایشان را مدنظر قرار دهد، احتمال دارد که ایشان توصیه‌هایی از افراد تحصیل کرده و فرهیخته نظیر صنیع‌الدوله دریافت داشته باشند مبنی بر اینکه خواهان چه امتیازاتی باشند.<sup>۲</sup>

در این تاریخ، گزارش به روشنی حاکی از افزایش شکاف و اختلاف بین دولت و قوای

۱. ص ۶.

۲. همانجا، ص ۷.



مرتضی قلی خان صبیح الدوله | ۱۹۷۴-۱۱

نظامی است، چون می‌گوید در بیست و نهم ژوئیه ۱۹۰۶، «صدر اعظم که متوجه می‌شود نمی‌تواند به قوای نظامی که تهدید می‌کردند به پناهندگان می‌پیوندند اعتماد نماید، استعفای خود را تقدیم می‌دارد و شاه نیز آن را می‌پذیرد و سپس شهر را ترک می‌کند. مشیرالدوله به عنوان جانشین وی منصوب می‌شود و او هم بلافاصله رئیس (خان) ایل قاجار عضدالملک را برای مذاکره با مجتهدین به قم اعزام می‌دارد»<sup>۱</sup>

گزارش چنین ادامه می‌دهد که پس از مذاکرات طولانی، توافقاتی حاصل شد و امتیازات ذیل به طرفین مذاکره اعطا گردید:

۱. تأسیس مجلس شورای ملی مرکب از شاهزادگان، روحانیان، اعضای ایل قاجار، نجبا،

۱. همانجا، ص ۷.

- زمینداران، تجّار و اصناف بازرگانی.
۲. ذی‌حق بودن مجلس در یاری دادن وزرای شاه در معرفی و عرضه اصلاحات.
۳. تنظیم و وضع فوری مقرّرات برای مجلس به وسیله مشورت با نمایندگان و نظرخواهی از ایشان.
۴. اجرای قوانین مربوط به طبقه روحانی.
- فرمان جداگانه هم که قبلاً صادر شده بود خبر از موارد ذیل می‌داد:
۱. بازگشت علماء از قم؛
  ۲. پرداخت غرامت به وابستگان اشخاصی که در شورشهای اخیر کشته شدند؛
  ۳. بازگشت تبعیدشدگان سیاسی؛
  ۴. عفو عمومی تمام کسانی که به سفارت بریتانیا پناهنده شده بودند.<sup>۱</sup>
- بعداً گزارش می‌شود که به محض آنکه فرمان فوق در نهم اوت ۱۹۰۶ توسط شاه امضا گردید، بیشتر پناهندگان به سفارت انگلیس به طور داوطلبانه، محوطه سفارت را ترک کردند. مجتهدین بزرگ برجسته نیز از قم بازگشتند و حدود یک هفته بعد، اولین جلسه مجلس برگزار شد.
- گزارش آشکارا حکایت از آن دارد که جمعیت بازرگانان، پیش‌نویس مقررات انتخابات را تهیه کردند و علی‌رغم مخالفت اولیه، به امضای شاه رسید. مقررات تصریح کردند که:
۱. انتخابات عمومی در سراسر کشور با رأی‌گیری انجام شود.
  ۲. حوزه تهران، ۶۴ نماینده انتخاب کند که ۴ تن از ایشان باید نماینده شاهزادگان و قجرها باشند، ۴ تن نماینده روحانیان، ۴ تن نجبا، ۱۰ تن تجّار و ۳۲ تن نیز نماینده اصناف بازرگانی.
  ۳. استانها، هر یک از ۶ تا ۱۲ نماینده انتخاب کنند (آذربایجان، خراسان و فارس هر کدام ۱۲ تن و بقیه استانها، هر کدام ۶ نماینده). کلّ تعداد نمایندگان نیز حدود ۱۶۰ نفر باشد.<sup>۲</sup>
- بالاخره مجلس مشروطه در تاریخ ۷ اکتبر توسط شاه گشایش یافت و گزارش کرده‌اند که وی نمایندگان تهران را در کاخ پذیرفت. «صنیع‌الدوله که در برلین تحصیل و چندین پست دولتی مهم را تصدی کرده بود به عنوان رئیس و حاج امین‌الضرب، تاجر معروف و بزرگ نیز به عنوان یکی از نایب رئیسان انتخاب شدند.»<sup>۳</sup>

۲. همانجا، ص ۸.

۱. همانجا.

۳. همانجا.



حسین امین‌الضرب | ۱۱-۱۲۶۹

از موضوعات حائز اهمیت و ضرورت برای بحث در مجلس شورای ملی، موضوع قانون اساسی و نیز اوضاع مالی و اقتصادی بود. مجلس تصریح داشت که بدون رضایت مجلس شورای ملی، دولت نمی‌تواند درخواست هیچ‌گونه وامی را بنماید و به همین دلیل نیز مشیرالدوله، صدراعظم جدید جرأت نکرد وام پیشنهادی روسیه - انگلیس را بپذیرد. نگرانی اصلی و عمده مجلس متوجه وضعیت نابسامان و آشفته مالی و اقتصادی کشور بود و مذاکرات حول محور تأسیس یک بانک ملی می‌چرخید و چنان که گزارش بریتانیا حاکی است، در گزارش‌های وابستگان بریتانیا نیز در آن زمان، تردیدهای جدی نسبت به توانایی ایران در تأسیس و راه‌اندازی یک بانک به چشم می‌خورد. آنچه مشخص است آن است که در این مرحله ابتدایی هر دو سفارت روس و انگلیس، مجلس را از بی‌طرفی کامل خود در این موقعیت حساس و بحرانی مطمئن

ساخته بودند. آنها همچنین به وزیر دربار، امیربهداد جنگ که همچنین سرشناس‌ترین رهبر جناح تندروها و مخالف جنبش اصلاحات بود، اطلاع دادند که نمی‌توانند از موقعیت وی حمایت کنند.

در اول ژانویه ۱۹۰۷، صدراعظم، نسخه نهایی قانون اساسی را که به امضای شاه، ولیعهد و خود وی رسیده بود، به مجلس تقدیم کرد. شروط اصلی و اساسی آن که در سند، خلاصه آن آمده است و همچنین برای مجلس سنا نیز مصداق دارد به قرار ذیل است:

۱. مجلس نمایندگان باید مرکب از ۱۶۲ عضو باشد که در صورت لزوم این تعداد به ۲۰۰ تن می‌تواند افزایش یابد.
۲. اعضا برای مدت ۲ سال باید انتخاب شوند و از زمانی که تمام نمایندگان استانها به پایتخت رسیده باشند، آغاز به کار کنند. و انتخاب عمومی هر ۲ سال یک بار انجام پذیرد.
۳. تمام اقدامات مالی باید به تأیید و تصویب مجلس برسد.
۴. فروش یا انتقال اموال و داراییهای دولت، تشکیل شرکتها و مؤسسات، وامها، امتیازات خطوط آهن یا جاده‌ها باید به تأیید و تصویب مجلس برسد.
۵. مجلس فقط در صورتی می‌تواند منحل شود که دو سوم آراء سنا برای انحلال آن و تصمیم ایشان توسط دولت تأیید شود. سپس شاه مجلس را منحل خواهد کرد و دستور انتخابات عمومی را خواهد داد.
- مجلس سنا باید مرکب از ۶۰ عضو باشد که ۳۰ تن از ایشان توسط دولت و ۳۰ تن دیگر توسط ملت انتخاب می‌گردند. دولت و ملت هر کدام ۱۵ عضو از تهران و ۱۵ عضو نیز از استانها برخواهند گزید.
۶. امور کشور به هر دو مجلس ارجاع می‌شود. بودجه کشور ابتدا در مجلس نمایندگان مورد بحث و بررسی و تصویب قرار می‌گیرد و سپس به مجلس سنا ارجاع می‌شود که ممکن است اصلاحاتی بر روی آن انجام دهد که مجلس نمایندگان ممکن است آن را بپذیرد و یا رد کند.
۷. در صورتی که پیشنهادی از دولت به تأیید مجلس سنا برسد ولی توسط مجلس نمایندگان رد گردد، موضوع به هیئت ثالثی ارجاع خواهد شد که متشکل از تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس است. در صورتی که تصمیم این هیئت توسط مجلس نمایندگان رد شود، موضوع به شخص شاه ارجاع خواهد شد که ممکن است



توصیه کند که در آن تجدیدنظر نمایند.<sup>۱</sup>

جالب توجه است که این سند اظهار می‌دارد که ولیعهد تعهد می‌کند در دو سال اول تشکیل مجلس، دست به انحلال آن نزند. به هر حال، همان‌طور که به خوبی آگاه هستیم، این امر حقیقت ندارد چرا که مدت زمانی کوتاه پس از درگذشت مظفرالدین شاه، ولیعهد نارضایی خود را از مجلس اعلام می‌دارد و نه تنها آن را منحل که حتی با کمک و همراهی بریگاد قزاق روس آن را به توپ می‌بندد. حال آنکه، بریتانیا در این واقعه شرکت نمی‌کند و تنها یک تماشاچی ساکت و بی‌تفاوت نسبت به کل ماجرا باقی می‌ماند که تعداد زیادی از مشروطه‌خواهان و هواداران ایشان، از جمله افرادی نظیر پروفیسور ادوارد جی. براون را مایوس و سرخورده می‌نماید.

در کل، در این گزارش مفصل محرمانه، توجه عمده و اصلی به منافع و فعالیت‌های اقتصادی بریتانیا در ایران معطوف است. برای مثال، موضوعاتی نظیر «جاده‌ها و راه‌های ارتباطی در ایران»، «تلگراف»، «کشتیرانی در کارون علیا»، «طرح آبیاری کارون»، «تأمین آب تهران»، «وسایل نقلیه موتوری» و «طرح پست درجه ۴ در خلیج فارس» در کنار موضوعاتی راجع به انواع امتیازات همچون «امتیاز نفت داری»، «سندیکای اکتشاف و جست‌وجوی اسفنج»، «امتیاز نفت خام» و «ماهگیری در دریای خزر» و همچنین موضوعاتی مربوط به گمرکات نظیر «اداره گمرکات بلژیک»، «تحریم تخلیه کالا» و «عوارض بر کالای وارد شده برای استفاده مقامات انگلیسی»، اینها موضوعاتی هستند که به نظر می‌رسد به نسبت جنبش اصلاحات، پارلمان ایران و خود قانون اساسی، بیشتر مورد توجه و نگرانی بریتانیا است.

از این گزارش، این نتیجه را می‌توان گرفت که در زمان تهیه آن، که حدود هفت ماه پس از اعطای فرمان مشروطیت بود، بریتانیا، به جنبش اصلاحات به عنوان تهدیدی نسبت به منافع خودش توجهی نداشت. و دوم آنکه، در حالی که در صحنه بین‌المللی، در مرز یک آشتی و مصالحه بی‌سابقه با روسیه قرار داشت، هنوز در ایران، رقابت روس و انگلیس در اوج خود و تمام تلاشها در جهت بی‌اثر کردن نفوذ روسیه در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی بود. و سوم آنکه منافع اقتصادی بریتانیا از منافع سیاسی آن کشور در ایران پافراتر گذارده بود. به نظر می‌رسد که بریتانیا توان بالقوه اقتصادی خویش را در ایران دیر شناخته بود و تصمیم داشت از موقعیت ممتاز خویش بهره برد تا نهایت توانش، منافع خود را افزایش دهد.

۱. همانجا، صص ۹-۱۰.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی